



## قرآن‌پژوهی آکادمیک، شرقی و غربی ندارد/ اثر کهنه تفاسیر عرفانی را درک نکرده است

دبیر مجموعه قرآن و حدیث انتشارات حکمت معتقد است که قرآن‌پژوهی آکادمیک شرقی و غربی نداریم و پورجواد می‌گوید که کتاب تفسیر صوفیانه قرآن نتوانسته کهنه تفسیر عرفانی را بیان کند.

دبیر مجموعه قرآن و حدیث انتشارات حکمت معتقد است که قرآن‌پژوهی آکادمیک شرقی و غربی نداریم و پورجواد می‌گوید که کتاب تفسیر صوفیانه قرآن نتوانسته کهنه تفسیر عرفانی را بیان کند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، نقد و بررسی کتاب «تفاسیر صوفیانه قرآن از سده چهارم تا نهم» با حضور دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر محسن معینی و دکتر مهرداد عباسی عصر امروز سه‌شنبه (۸ تیر)، در مرکز فرهنگی شهر کتاب، برگزار شد.

دکتر عباسی، دبیر و ویراست مجموعه «علوم قرآن و حدیث» انتشارات حکمت توضیحاتی در خصوص تاریخ مطالعات قرآنی در غرب، ویژگی‌های قرآن‌شناسی آکادمیک، افراد شاخص، مجموعه حاضر و این کتاب ارائه کرد و گفت: باید بین دغدغه‌های پیش از سال ۱۸۰۰ میلادی در مطالعات قرآنی و مطالعه آکادمیک قرآنی پس از دوره روشنگری تفکیک قائل شد. خود غربی‌ها در نوشتن تاریخ مطالعات قرآن به تفکیک دغدغه‌های قرآنی قبل از روشنگری و پس از روشنگری توجه دارند.

قرآن‌پژوهی آکادمیک غربی و شرقی ندارد

عباسی ادامه داد: از سال ۱۸۰۰ میلادی مطالعات غربی آکادمیک می‌شود که متمایز از دوره قبل است که جدلی و ایدئولوژیک بوده است.

دبیر مجموعه قرآن و حدیث، افزود: مطالعات آکادمیک قرآنی را می‌توان استفاده از همه دانش‌های بشری برای شناخت قرآن تعریف کرد. ابزارهای نوین از جمله حفاری‌های صنعا و تکنولوژی کربن ۱۴ به دانش‌های جدید قرآنی منجر شده است.

عباسی با بیان اینکه باید دویست سال پیش را خوب بکاویم، گفت: باید همه انتقادات را در این زمینه و تمایزات موجود را به صورت نقادانه مطالعه کرد و این مطالعات را عنوان یک فیلد پژوهشی در نظر گرفت و در این معنا ما قرآن‌شناسی آکادمیک غربی و شرقی نداریم و در مسائلی مانند سبب نزول، نسخ و ... به جز منابع فارسی و عربی به منابع انگلیسی فرانسوی و آلمانی هم رجوع شود. در این زمینه ترجمه مانند پل عمل می‌کند.

وی ادامه داد: در زمینه واژه‌های قرآن جفری، معناشناسی قرآنی ایزوتیسو، جان برتون نسخ قرآن، ویلیام گراهام جنبه شفاهی و شنیداری قرآن، توتولس داستان‌های پیامبران عهدینی در قرآن و جین مک اولیف در خصوص مسیحیان در قرآن و ... کار کرده و هر محقق قرآنی فقط در یک جنبه متخصص است.

عباسی ادامه داد: انتشارات آکسفورد، بیریل و راتلج سالی یک یا دو کتاب در حوزه قرآن‌پژوهی منتشر می‌کنند. از جمله همین کتابی که امروز بررسی می‌شود توسط انتشارات راتلج منتشر شده است.

وی ادامه داد: داستان مجموعه مطالعات قرآن و حدیث به ده سال گذشته بر می‌گردد، ابن مجموعه چهار سال است که شروع به چاپ کرده است. ما در این مجموعه رویکرد آکادمیک و تصویری واقعی به مطالعات غربی داشته‌ایم. باید بفهمیم غربی‌ها با چه پیش فرض، مسائل، روش‌ها و دیدگاه‌هایی به قرآن پرداخته‌اند.

وی در پایان گفت: این کتاب در ۲۰۰۶ منتشر شده است. امتیاز این کتاب نگاه جامع به کل تفاسیر صوفیانه در دو بخش نظری و عملی است که در بخش اول به مباحث نظری صوفیان و در بخش دوم به خود تفاسیر پرداخته و بیشتر به آیات خضر و موسی و آیات نور اختصاص دارد.

کتاب حرف جدیدی ندارد

دکتر معینی مدیر گروه قرآن‌پژوهی دانش نامه جهان اسلام، گفت: برخی تحقیقات غربی به ما دیدگاه جدیدی می‌دهد و برخی روش خوبی دارند هرچند عمیق نیستند. این کتاب برای دانشجوی علوم قرآنی روش یاد می‌دهد اما برای اساتید ما حرف جدیدی ندارد. این کتاب برای غربیانی نوشته شده که آشنایی اندکی دارند.

معینی افزود: ترجمه خوب و روان است. در بخش مبانی و روش تفسیر به حدیثی از ابن مسعود اشاره شده که رسول خدا در آن می‌فرماید قرآن در هفت حرف نازل شد، هر حرف یک ظاهر و یک بطن دارد. مولف نظرات مفسران صوفیان در خصوص این حدیث را آورده است.

وی افزود: در بحث دوم متن قرآن و ابهام در معنا به آیه هفت آل عمران پرداخته است و در همین جا نیز آیه مورد بحث بررسی شده و در خصوص راسخان علم و اینکه آیا معنی آیات متشابه را می‌دانند و یا نه بحث شده است. پرداختن به بحث تاویل در این کتاب خالی است.

معینی در ادامه با بیان اینکه بخش بعدی به تاویل معنا پرداخته است، گفت: صوفی باید با ریاضت به دریافتی از آیات می‌رسیده است.

وی ادامه داد: نیشابوری را کسی صوفی حساب نمی‌کند که اینجا آمده است. تفسیر عرفانی ای ارزش دارد که مفسر بر اساس

کشف و شهود خود نوشته باشد. در بحث روش‌های تفسیر به بحث فهم و اشاره پرداخته شده است. انتقاد و دفاع به تفکیک تفسیر صحیح از تفسیر به رای پرداخته شده که به نظرات غزالی در این زمینه اختصاص دارد. معینی با بیان اینکه در این بخش بحث تنزیل در اینجا مورد بحث واقع نشده است، گفت: در بخش دوم، داستان موسی و خضر که از مباحث جدی عرفان است، مطرح شده است. موسی نماد علم ظاهر و خضر نماد علم باطنی است و مفسر که صوفی است با اشاره به این آیه به باطن آیات نظر دارد. در خصوص آیات نور به این مسئله پرداخته شده است که خداوند صاحب نور است و یا خود نور که نظرات کلامی معتزله، اشاعره و متصوفه را آورده است. کتاب نتوانسته کنه تفسیر عرفانی را بیان کند

در ادامه پورجوادی گفت: در مورد عنوان کتاب در ذهن من این بود که در خصوص تفاسیر قرن چهارم به بعد بحث می‌کند و قرن سوم مورد نظر نیست در حالی که سهل تستری متعلق به قرن سوم است. در حالی که عنوان اصلی کتاب کلاسیکال اسلام است که به دوره قدیم و شکل‌گیری تفاسیر صوفیانه باز می‌گردد و باید به حلاج، خراز و ... در قرن سوم بپردازد. وی ادامه داد: مفسران صوفی راجع به برخی آیات بحث کرده‌اند و نه کل آیات، تنها تفسیر کامل کتاب بن سلیمان است که محل بحث است، دلیل این است که اینها قرآن کامل مثل ما نداشتند یا چاپ خوب نبود و یا بسیاری از آنها سواد خواندن نداشتند. اساساً کاغذ نبود که قرآن در دسترس عمومی باشد.

وی افزود: بنابراین به دلیل عدم وجود قرآن کامل تفسیر کل قرآن را نداریم و آیاتی را که حفظ بودند تفسیر می‌کردند. سوال اساسی این است که آیا تصوفی که به عنوان یک مذهب فکری در قرن سوم بود بر اثر تفاسیر قرآن به وجود آمد یا مذهبی به وجود آمد و بعد به تفسیر قرآن پرداخت؟ برخی مانند ماسینیون و پل نویا معتقدند تصوف بر اثر خوانش قرآن بود اما برخی مخالفند.

پورجوادی افزود: من متمایل به رای دوم هستم. از بعضی جهات اول عقایدشان به وجود آمد و در آیات قرآن دیدند و برخی از عقاید نظری شان متأثر از خوانش قرآن بود، اما در میان تمام علوم اسلامی که در قرن سوم به وجود آمده از جمله تصوف و تفاسیر صوفیانه چه تمایزاتی داشت؟ مابه‌الامتیاز تفسیر صوفیانه چه بود؟ نویسنده این سوال را به خوبی درک نکرده است. تحولات زیادی تا قرن شش و هفت بوده و تفسیر صوفیانه رشد کرده است. این خانم وقتی به تصوف نگاه می‌کند از دید قرن ششم به بعد نگاه می‌کند و نه از نگاه قرن سوم. گذشته را با دید قرن ششمی نگاه می‌کند و این برای کسانی که معتقدند باید پدیدارشناسانه نگاه کنیم درست نیست.

وی ادامه داد: ما به‌الامتیاز تفاسیر عرفانی را می‌توان در بحث معاد دید. یکی از مسائل اصلی در تفسیر و اندیشه اسلامی مسئله معاد است که در تفسیر هم وارد شده است و تفاوت تفاسیر عرفانی را می‌توان در این مورد دید. در مسئله معاد انسانی مرده، زنده می‌شود و به جهنم یا بهشت رفته و با همین بدن جزا یا پاداش تعلق می‌گردد. در قرن دوم و سوم معاد این طور فهمیده می‌شد. تصور ما از روح متأخر و در قرن اول و دوم نبوده است و لذا معاد روحانی به دوره بعد تعلق دارد؛ مراد از معاد جسمانی بوده است. از قرن ششم است که جزا و پاداش معنوی مطرح می‌شود.

وی ادامه داد: صوفی معتقد به معاد جسمانی است اما باز فرقی دارد که توحید بوده است که حتی وقتی معاد روحانی مطرح نبود مابه‌الامتیاز تفاسیر صوفیانه بود. توحید یعنی اینکه چیزی که برای ما مطرح است خداست بنابراین جهنم را دوری از خدا و توحید می‌دانست و بهشت به خاطر قرب انسان به خداست. در قرن دوم و سوم لذت جسمانی و حقیقی در بهشت است و به رویت خدا نائل می‌شود اما در دوره های بعدی لذت را معنوی تفسیر می‌کنند.